



سرمایه گذاری خارجی؛ بال پرواز یا بند اسارت؟

گروه گزارش: علی اکبر بابایی - فرانک جواهردشتی - سیما هاشمی
تنظیم از: فرامرز پوررستمی

بنابراین توجه به سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی
روش مورد قبول در کشور، بی وجه به نظر نمی رسد. اما باید
دانست که پرداختن به این موضوع، علاوه بر احوال مستوفی
صحيح در زمینه تامین و تخصیص سرمایه های خارجی
مستلزم ایجاد زمینه های مناسب برای جذب آنها نیز هست.
زیرا تا زمانی که شرایط مساعدی در کشور وجود نداشته باشد،
جستجو اعتماد سرمایه گذاران امکان پذیر نخواهد بود.
سرمایه گذاران خارجی هنگامی پذیرای خطرات بالقوه به کنار
فناختن سرمایه هایشان در کشوری بیگانه خواهند بود که آن
کشور هم از ثبات سیاسی برخوردار باشد و هم از ثبات
اقتصادی. هم ثباتین و مقرراتی با ثبات در ارتباط با
سرمایه گذاری خارجی وجود داشته باشد هم محیطی مناسب
برای فعالیتهای تجاری.

و بدین است که تمایز این شرایط با سیاست گذارهای
وقت محقق می شود و به واقع برای آقای بعین نقش، بدلیل
دیگری می بودت وجود ندارد.

شاید ذکر است که ثبات و اقتصاد و احوال سیاست های
مناسب، محیط را به طور کلی برای سرمایه گذاری مناسب از
داخلی یا خارجی - مساعد می سازد. زیرا ماهیت
سرمایه گذاری نیازمند وجود فضای مطلوب برای فعالیت
است. هر چند در ارتباط با سرمایه گذاری خارجی، انتقال
موانع تأثیر مهمی بر روی انتخاب کشور توسط سرمایه گذار
خارجی دارد. اما این نکته به هیچ وجه به معنای عدول از
خط مشی ما و شرایط قوانین داخلی نیست. به سخن دیگر
هدف از جذب سرمایه خارجی به هر روی و به هر طریق که
تأمین و تخصیص صحیح آن در راستای توسعه اقتصادی کشور
است. بنابراین وجود تدبیراتی کارا چه برای ایجاد شرایط
مناسب و چه برای به کار انداختن سرمایه، از الزامات نایل به
توسعه اقتصادی است.

در مسأله توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری از جمله
موضوعاتی است که همواره مطرح بوده و به هنگام انتخاب
راهبردها و سیاست های توسعه ای مورد توجه قرار گرفته است.
سرمایه گذاری به عنوان یک متغیر اقتصادی، هم از عوامل
متعددی تأثیر می پذیرد و هم بر روی متغیر مهمی چون تولید
اثر می گذارد.

در واقع سرمایه گذاری که عامل رشد و توسعه اقتصادی
است تنها هنگامی سرمایه گذاری محسوب می شود، که منابع
مالی مورد نیاز را به منظور گسترش تولید و تجارت فراهم کند.
یعنی به عبارتی دیگر منجر به افزایش امکانات برای تولید بیشتر
شود.

با پذیرش ضرورت سرمایه گذاری برای دستیابی به رشد و
توسعه اقتصادی، بررسی راههای تأمین و تخصیص سرمایه
اهمیت ویژه ای می یابد. اینکه سرمایه مورد نیاز چگونه فراهم
شود و پس از آن نیز چگونه مورد استفاده قرار گیرد، دقت و
توجه بسیاری را طلب می کند. به طور معمول، روشهای تجهیز
سرمایه متنوع و به قرار ذیل هستند:

انتشار و فروش اوراق قرضه و سهام، دریافت وام و اعتبارات
بانکی از داخل و خارج کشور، مشارکت با سرمایه گذاران
داخلی و خارجی، بیع متقابل و...

بدین ترتیب، سرمایه گذاری خارجی یکی از راههای تأمین
منابع مالی مورد نیاز است که در بسیاری از کشورها مورد
استفاده قرار می گیرد و در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی و
اجتماعی کشور ما نیز مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که
در بند ۵۵ تبصره ۲۲ قانون آمده است: «در چهارچوب
خط مشی ما و ضوابط این قانون، سرمایه گذاران خارجی،
می توانند با مشارکت طرف ایرانی اقدام به سرمایه گذاری در
بخشهای اقتصادی نمایند...»

سرمایه گذاری خارجی برای پیشرفت های
اقتصادی داخلی و رسیدن به بازارهای جهانی
است. بنابراین موضوع چگونگی بکارگیری این
روش همواره موضوع روز است.
در جمهوری اسلامی ایران نیز در این
چندساله شاهد بحث و بررسیهای فراوانی در این
زمینه بوده ایم. به ویژه در شرایط فعلی که دولت

کشورهایی است که برای پیشرفت اقتصادی و
رسیدن به جایگاهی که شایسته آن است، خیز
گرفته است.
این کشورها هریک به تناسب موقعیت و
ویژگی هایی که دارند از روش های گوناگونی
استفاده می کنند. اما یکی از روش هایی که تقریباً
مورد توجه بیشتر این کشورهاست. استفاده از

شتاب فزاینده ای که در سالهای اخیر در
بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت و کمتر
توسعه یافته برای رسیدن به کشورهای پیشرفته
به چشم می خورد، نشان دهنده آن است که این
کشورها به خوبی دریافته اند که زمان به سرعت
می گذرد و اگر به موقع اقدام نکنند شاید فرصت
دوباره ای نداشته باشند. کشور ما نیز در شمار

جدیدی تشکیل شده است، یکبار دیگر این موضوع مورد توجه کارشناسان اقتصادی کشور قرار گرفته است.

ما نیز برای آگاهی از چندوچون این بحثها به سراغ تنی چند از کارشناسان رفتیم و از آنها خواستیم نظر خود را در مورد، سود و زیان و شیوه‌های مناسب استفاده از سرمایه خارجی بیان کنند. همچنین از آنان در مورد مزیت‌های نسبی کشورمان برای جذب سرمایه و تنگناها و محدودیت‌هایمان و اینکه بهتر است شرکت‌های خصوصی و غیردولتی درصدد جذب سرمایه باشند یا دولت، نیز پرسیدیم.

نخستین کارشناسی که با وی گفتگو کردیم، دکتر مرتضی ایمانی‌راد کارشناس اقتصاد و استاد دانشگاه بود. وی در زمینه سود و زیان سرمایه‌گذاری خارجی گفت:

سرمایه‌گذاری خارجی همانند هر پدیده و تحول اقتصادی نه تنها دارای فرآیند بلکه همراه با زیان‌هایی نیز هست. از اینروست که سرمایه‌گذاری خارجی را باید فنی بررسی کرد. متأسفانه نگرش یک جانبه به مسائل اقتصادی مدت‌هاست که دامنگیر کارشناسان و مطبوعات است و تا این مشکل را حل نکنیم، بخش قابل توجهی از مسائل اقتصادی غیرقابل حل خواهند بود.

شتاب سیاسی شدن اقتصاد ایران و گسترش آن در بسیاری از حوزه‌های مدیریتی و حتی کارشناسی و نگرشی ایدئولوژیک و بعضاً قیاسی به مباحث اقتصادی از عوامل عمده فقدان نگرش فنی به اقتصاد است. بنابراین سرمایه‌گذاری خارجی هم بد است و هم خوب است.

اینکه چه سرمایه‌گذاری خوب است و چه سرمایه‌گذاری بد، موضوعی کاملاً فنی و علمی است که مستلزم کار کارشناسی است و لذا از قبل نمی‌توان در مورد آن حکم صادر کرد. متأسفانه در شرایط فعلی عده‌ای موافق و عده‌ای در مقابل آنها مخالف سرمایه‌گذاری خارجی‌اند و لذا حل مشکل سرمایه‌گذاری خارجی را با موانع جدی همراه کرده‌اند. مخصوصاً اینکه عده‌ای از این دسته تفکرات در مقام‌های تصمیم‌گیری نیز هستند.

در ادامه بحث سعی می‌کنم به برخی از فواید آن اشاره کنم.

سرمایه‌گذاری خارجی فواید غیرقابل انکاری برای هر کشور، چه توسعه‌یافته و چه در حال

*** در شرایط مناسب، سرمایه‌گذاری خارجی موجب می‌شود که رقابت‌پذیری و کارایی اقتصاد ملی افزایش یابد و قیمت‌های داخلی را در سطح قیمت‌های جهانی نگه دارد.**
*** ایمانی‌راد: در کشور ما معمولاً سرمایه‌گذاری خارجی را در مقیاس‌های بزرگ قابل تصور می‌دانند. در حالی که در شرایط فعلی می‌توان از سرمایه‌های متوسط و حتی کوچک استفاده کرد.**



توسعه دارد. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بسیاری از کشورها تحت‌تأثیر شدید آهنگ سرمایه‌گذاری خارجی آن کشور بوده است. کشمکش کشورهای آسیایی را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان بد خوبی دید. اینها حتماً فواید سرمایه‌گذاری خارجی را دیده‌اند. باادغام بیشتر نظام‌های ملی در نظام جهانی نقش سرمایه‌گذاری خارجی روز بروز بیشتر و عمده‌تر می‌شود.

بطوریکه در شرایط کنونی سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یک رفتار اجتماعی در نهاد اقتصاد بین‌المللی تعریف می‌شود، لذا نمی‌توان از آن به‌عنوان یکی سیاست الزاماً اقتصادی نام برد. رشد سرمایه‌گذاری خارجی چنان بوده است

که در سال ۱۹۹۵ تنها در کشورهای در حال توسعه ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده است. در میان کشورهای درحال توسعه چین با ورود سرمایه خارجی ۴۰ میلیارد دلار بالاترین رقم را در بین کشورهای در حال توسعه داراست و در عین حال دارای بالاترین نرخ رشد اقتصادی در بین کشورهای در حال توسعه و حتی جهان است.

جدا از الزام پیوستگی کشورهای جهان در نظام روبه کوچکتز شدن جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی موجب می‌شود که تکنولوژی جدید وارد کشور شود. شیوه‌های جدید مدیریتی و دانش مرتبط با آن نیز به کشور منتقل شود ارزش خارجی برای بخشی از خریدهای داخلی سرمایه‌گذاری به کشور بیاید و نیروی کار بومی را به کار گیرد. ولی گذشته از این آثار، به‌نظر من مهمترین اثر سرمایه‌گذاری خارجی بین‌المللی کردن بازار ملی و لذا رقابتی‌تر کردن اقتصاد ملی است.

سرمایه‌گذاری خارجی در صورتیکه در طیف مناسبی شکل گیرد موجب می‌شود که رانت‌ها و مفت‌خواری‌های اقتصاد ملی را کاهش داده و قیمت‌های داخلی را در سطح قیمت‌های جهانی نگه دارد. همین مسئله موجب می‌شود که رقابت‌پذیری و کارایی اقتصاد ملی افزایش یابد. گذشته از این مسئله، رشد سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً توأم با رشد صادرات است و در شرایط فعلی که کمبود صادرات غیرنفتی از معضلات غیرقابل تردید نظام اقتصادی ایران است، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند، در صورتیکه با تدابیر ملی و هوشیارانه همراه باشد، راه‌حلی سریع برای این مشکل اقتصادی باشد.

آقای ایمانی‌راد سپس به شیوه‌های مناسب جذب سرمایه‌ها اشاره کرد و افزود:

هر نوع سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند مورد نظر باشد. فقط تفاوتی که وجود دارد این است که یک نوع سرمایه‌گذاری خارجی در یک صنعت، بخش و یا در یک منطقه خاص ممکن است مناسب نباشد یا بالعکس داشته باشد. مثلاً برای سرمایه‌گذاریهای خارجی که

دارای نتایج مطمئن است می‌توان مزایای بیشتری به‌طرف مقابل داد و در شرایط دیگر بهتر است از دادن این‌گونه مزایا خودداری کرد.

بحث دیگر این است که تمایل کلی در کشور برای راه‌اندازی طرح‌های بزرگ وجود دارد که این

مسئله به سرمایه‌گذاری خارجی نیز کشیده شده است. یعنی سرمایه‌گذاری خارجی را فقط در مقیاس بزرگ قابل تصور می‌دانند، در حالیکه در شرایط فعلی می‌توان از سرمایه‌های متوسط و حتی کوچک استفاده کرد. کشورها و سازمانهای مالی متعددی وجود دارند که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را بیشتر می‌پسندند. مثلاً سرمایه‌گذاران مالی در سنگاپور تمایل زیادی در سرمایه‌گذاری پروژه‌های کوچک و متوسط دارند. در این صورت می‌توان از سرمایه‌گذاری خارجی به صورت مشارکت مستقیم استفاده کرد. البته به جز سرمایه‌گذاری خارجی به صورت مالکیت می‌توان از الگوهای همکاری و مشارکت دیگری که الزاماً متکی به انتقال مالکیت نباشد نیز استفاده کرد. مثلاً همکاریهای خارجی در قالب پیمانکارهای فرعی و بیع متقابل، خرید لیسانس و... می‌تواند در بعضی زمینه‌ها کارساز باشد.

طبیعی است که میزان اثربخشی هر نوع سرمایه‌گذاری به عوامل متعددی از قبیل وضعیت صنعت موردنظر، وضعیت بخش موردنظر، میزان سود برآورده شده، آثار خارجی سرمایه‌گذاری خارجی (EXTERNALITIES)، میزان ارزآوری ناشی از عملیات سرمایه‌گذاری و... بستگی دارد و لذا در این خصوص باید مورد به مورد بررسی قرار شود.

مزیت‌های نسبی ایران

در مورد مزیت‌های نسبی نیز طبیعی است که در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان مزیت‌های خارجی وجود دارد که می‌توان از آنها در تجارت بین‌المللی استفاده کرد. این بحث وارد، صحیح و در عین حال ساده‌ای است. بحث مهم نحوه برخورد با این مزیتها است. ما از بعضی جهات دارای مزایایی در خصوص آب و هوا هستیم، در بخشی از کشور میزان بارندگی مزیت خوبی است. در بعضی کالاها دارای مزیت تاریخی و فرهنگی هستیم (صنایع دستی) و در بعضی کالاها بدلیل عقب‌ماندگیمان دارای مزیت هستیم، (مثل تولید کالاهای سنتی). بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که تمامی مزیت‌های نسبی موجود در کشور یا به واسطه شرایط اقلیمی خاص کشور است (عواملی غیر انسانی) و یا بدلیل بافت عقب‌مانده اقتصاد کشور است که در طول سالیان طولانی از اقتصاد جهانی عقب‌مانده است (عوامل انسانی).

بنابراین به نظر می‌رسد که تکیه کردن به مزیت‌های نسبی موجود تکیه کردن به اقلیم

خدادادی و ناتوانیهای تاریخی خودمان است. این یک نگرش است. بعضی‌ها برای فرار از این پدیده تاکید زیادی به صدور کالاها با تکنولوژی بالا هستند. گروهی دیگر معتقدند که باید گام به گام حرکت کرد و حرکت را از توانیهایمان شروع کنیم. من با دیدگاه دوم موافق هستم. بهتر است برای ساماندهی به تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی از مزایای نسبی موجود استفاده کنیم. طبیعی است که این مزایا مولد ارزش افزوده قابل توجهی خواهد شد و همین مسئله موجب تحرک قابل ملاحظه‌ای در تجارت خارجی و روابط اقتصادی بین‌الملل خواهد شد. در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی هم همین خط متصور است. خارجیان نیز به دنبال بهره‌برداری از مزایای نسبی ما هستند. زیرا مزیت‌های نسبی ما برای آنها هزینه تولید پایین و قدرت رقابت بیشتر در صحنه بین‌المللی است. این مزیت‌ها را از دیدگاه سرمایه‌گذار خارجی می‌توان به گروههای زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱ - مزایای نسبی مرتبط با فرهنگ و تاریخ کشور.

۲ - مزایای نسبی مرتبط با فراوانی عوامل تولید به خصوص نیروی کار ارزان.

۳ - مزایای نسبی مرتبط با موقعیت جغرافیایی کشور و بخصوص هزینه حمل و نقل و دسترسی سریعتر به بازارهای منطقه.

۴ - مزایای نسبی مرتبط با فراوانی منابع طبیعی. دکتر ایمانی راد که عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی نیز هست در ادامه بحث به پرسش بعدی تدبیر در مورد اینکه این سرمایه‌گذاری‌ها بهتر است از طریق دولتها باشد یا شرکتها اشاره کرد و گفت: هیچ‌کدام از این سرمایه‌گذاریها الزاماً مفید نیستند. از طرف دیگر الزامی هم وجود ندارد که یکی از این دو را انتخاب کنیم. به نظر من در شرایط فعلی سرمایه‌گذاری مستقیم از طریق مشارکت مستقیم موسسات مالی و تولیدی که الزاماً بزرگ و فراملیتی هم نیستند می‌تواند الگویی کاملاً بهتر از دو طریق فوق باشد.

گذشته از آن در صورتیکه این سرمایه‌گذاری‌ها جهت‌گیری صادراتی نیز داشته باشند بهترین حرکت تلقی می‌شود. در دوره‌ای که پیش رو داریم، بهتر است اهمیت بیشتری به بخش خصوصی بدهیم و برای این منظور لازم است که جهت‌گیری سرمایه‌گذاری خارجی هم به این سمت باشد. اینکه نوع، الگو و... چه باشد،

* تا قبول نکنیم که سود یک تولیدکننده، اگرچه کالای خدماتی هم تولید کند، یک سود ملی و لذا با ارزش است، نمی‌توانیم تجربه موفق در سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم.

* صابری: بازار ما بسته است و ما با وضع دیوار بلندی از مقررات گوناگون، ورود خارجیان را به شدت توسط دولت کنترل می‌کنیم.

* در شرایط فعلی یا سرمایه‌گذاران خارجی وارد میدان نمی‌شوند یا اگر بشوند آنقدر تضمین می‌گیرند و از هر جهت شرایطی قایل می‌شوند که هیچ گزندی به آنان نرسد و این وضع البته نتیجه منطقی یک جانبه نگرستن ماست.

این را باید به واحدهای خصوصی واگذار کرد. آنها خود انتخاب بهینه می‌کنند و انتخاب بهینه آنها در بستر قوانین مناسب به نفع کشور خواهد بود. لذا من تاکید دارم که از الگوها و مقیاسهای بزرگ در سرمایه‌گذاری خارجی استفاده نشود. طبیعی است که سیاستگذاران نیز، باید با اعمال سیاستهای صحیح مواظب منافع ملی باشند.

در مورد تنگناها نیز آنچه که بدیهی است این است که تنگناها زیادند و تعدادشان به اندازه‌ای است که سرمایه‌گذاری خارجی را به‌عنوان یک جریان مانع شده‌اند. وقتی در جامعه‌ای تولید و سود ناشی از آن به‌عنوان یک ارزش ملی شناخته نشود، بحث سرمایه‌گذاری خارجی مورد ندارد. بسیاری از مسائل را در درون کشور باید برای خودمان حل کنیم. تا قبول نکنیم که سود یک تولیدکننده، ولو این تولیدکننده کالای خدماتی تولید کند، یک سود ملی و لذا با ارزش است، نمی‌توانیم تجربه موفق در سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم.

گذشته از آن بدون این باور که برای توفیق اقتصادی بیشتر همگرایی منطقی با اقتصاد جهانی الزامی است، نمی‌توان به سرمایه‌گذاری خارجی دل بست. ممکن است بحث زیادی کنیم که اجازه سرمایه‌گذاری بدهیم یا نه، ولی بهتر است ابتدا بررسی کنیم که آیا سرمایه‌گذاران خارجی به راحتی در کشور سرمایه‌گذاری خواهند کرد یا نه؟ به نظر می‌رسد شرایط اجتماعی، باورهای

فرهنگی، زیربناهای فیزیکی (بندها، فرودگاهها و...) و غیر فیزیکی (چارچوبهای حقوقی و...) زیاد برای ورود سرمایه خارجی مستعد نیست. در این شرایط آنها امتیازات زیادی طلب می‌کنند. ولی وقتی زیربناها قوی باشند، ما می‌توانیم امتیازات زیادی از آنها بگیریم.

مشکل اساسی و دیگر سرمایه‌گذاری خارجی در کشور فقدان قوانین ضروری و باثبات در کشور است. سرمایه‌گذاران خارجی با حداقلی از قوانین تضمین‌کننده و باثبات حاضر به سرمایه‌گذاری هستند. فقدان تضمین استمرار فعالیت، حفظ و حرکت سودهای بدست‌آمده فعالیت آزادانه در چارچوب قوانین مصوب حداقلی است که سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد.

مهندس علی اکبر صابری رئیس هیات مدیره شرکت صنعتی بوتان کارشناس دیگری بود که به پرسش‌های تدبیر در این زمینه پاسخ گفت: وی ابتدا به فواید و زیان‌های سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد و افزود:

سرمایه‌گذاری خارجی هم مانند سرمایه‌گذاری داخلی است و لزوماً مفید و ثمربخش نخواهد بود، برای اینکه سرمایه‌گذاری خارجی مفید و ثمربخش باشد باید اهدافی روشن و درست برای آن وجود داشته باشد و در اجرای سرمایه‌گذاری نیز روش‌های مناسبی اتخاذ شود تا سرمایه‌گذاری سودآور و ثمربخش گردد.

بعضی از اهداف مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

الف - ایجاد ارتباط دوجانبه به منظور گسترش بازار و افزایش قدرت رقابت

ب - ایجاد زمینه تبادل فرهنگی به منظور ارتقاء زندگی بشر

ج - ایجاد هم‌افزایی از طریق بهره‌گیری مناسب از مجموعه امکانات هر دو طرف

د - کوتاه کردن فاصله تولیدکننده با مشتری به منظور کاهش هزینه

اما در مورد اینکه چرا سرمایه‌گذاران خارجی تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند، باید بگویم که اصولاً دلیلی برای علاقمندی سرمایه‌گذاران خارجی وجود ندارد زیرا فعلاً برخورد ما با موضوع سرمایه‌گذاری‌های خارجی یک‌جانبه است. مثلاً چون ما ارز نداریم یا دانش فنی نداریم و یا تولید داخلی نداریم و می‌خواهیم خارجیان بیایند و با سرمایه و دانش

فنی خودشان کمبودهای ما را جبران کنند. حتی انتظار داریم که حاصل این سرمایه‌گذاری‌ها چنان باشد که ما در مدت کوتاهی توان رقابت با خود آنها را کسب کنیم و در میدان رقابت بر آنها چیره گردیم.

البته از آنجا که عقل و دانش و قدرت خارجیان هم دست کم به اندازه ماست، معمولاً چنین اتفاقی نمی‌افتد. آنها یا وارد میدان نمی‌شوند و یا اگر بشوند آنقدر تضمین می‌گیرند و از هر جهت شرایطی قائل می‌شوند که در هیچ صورتی گزندی به آنان نرسد و این وضع البته نتیجه منطقی یک جانبه‌نگریستن ماست. شاید بهتر باشد چند هدفی را که به‌عنوان مثال می‌آورم مورد بررسی دقیقتری قرار دهیم.

الف - بازار ما بسته است. ما با وضع دیوار بلندی از مقررات گوناگون، ورود خارجیان را به شدت توسط دولت کنترل می‌کنیم. توان دسترسی ما هم به بازارهای خارجی دیگر تقریباً صفر است بنابراین سرمایه‌گذار خارجی نمی‌تواند به امید گسترش بازاریش در ایران سرمایه‌گذاری کند.

ب - علیرغم این که ما فرهنگ غنی و نیرومندی داریم متأسفانه جامعه ما آمادگی مبادله فرهنگی را ندارد چنانچه به وضوح می‌بینیم برخورد‌های فرهنگی کاملاً یک‌سویه است. انتظار ما این است که همه چیز را از ما بپذیرند و ما در مقابل هیچ چیز را قبول نکنیم.

ج - ضوابط مقررات و زیربناهای فعلی کشور هیچ زمینه‌ای برای بهره‌گیری از هم‌افزایی ایجاد نمی‌کند. حتی اگر افزایشی قابل حصول هم باشد به علت مشکلات انتقال سود طرف خارجی از آن بی‌بهره خواهد ماند.

د - با سرمایه‌گذاری خارجی البته فاصله تولیدکننده و مشتری کوتاه می‌شود و در بیشتر موارد هزینه‌ها هم کاهش می‌یابد ولی باز هم به علت مشکل انتقال منافع به خارج از کشور چیزی از این رهگذر نصیب طرف خارجی نمی‌شود.

*** حیدری: بایستی در قانون جلب و حمایت از سرمایه خارجی که مصوب ۱۳۳۴ است. تغییرات اساسی داده شود. قانون جدید باید واقع‌گرا و جسورانه و با استفاده از تجارب برخی کشورهای موفق جهان باشد.**

بنابراین در عمل هیچ یک از اهداف مورد نظر نمی‌تواند تحقق یابد. خارجیان اینها را خیلی خوب می‌دانند و بابت آنها از ما غرامت سنگین مطالبه می‌کنند اگر ندهیم نمی‌آیند و اگر بدهیم چیزی برای خودمان نمی‌ماند. البته علت اصلی وجود این‌گونه موانع این است که اقتصاد، نهادهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی ما همه دولتی هستند و معمولاً دولتها همیشه مسائلی فوری‌تر و هیجان‌انگیزتر از سرمایه‌گذاری در دستور کارشان دارند و فرصت کافی برای این‌گونه کارهای دیر بازده ندارند.

به این ترتیب ما فعلاً هیچ مزیت نسبی بالفعل نداریم به همین علت هم نتوانسته‌ایم سرمایه‌های خارجی را جذب کنیم. البته اگر اراده ملی ایجاد گردد با توجه به گستردگی بازار داخلی، انرژی مطمئن و ارزان، نیروی انسانی جوان و موقعیت استراتژیک منطقه‌ای می‌توانیم مزیت نسبی قابل توجهی به وجود آوریم که قادر خواهد بود سیل سرمایه‌های خارجی را به سوی کشورمان بکشاند.

در پاسخ به اینکه بهتر است سرمایه‌گذاری‌ها از طریق دولت باشد یا بخش خصوصی نیز به نظر من دولت برای این کار مناسب نیست و دولتها به هیچ وجه قادر نیستند که سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی انجام دهند. تنها توده مردم و آن هم در یک فضای آزاد رقابتی سالم که از حمایت دولت برخوردار باشد، می‌توانند بستر مناسبی برای دادوستدهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کنند و تنها در این صورت است که سرمایه‌گذاری خارجی در کلیت خود برای اقتصاد ملی مفید و ثمربخش خواهد بود.

قوانین و چارچوب‌های حقوقی که سبب بازداشتن یا تشویق سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود همواره به‌عنوان یکی از عامل مهم و تاثیرگذار در امر سرمایه‌گذاری مورد توجه بوده است و در شرایط فعلی نیز اگر مهمترین عامل نباشد، دست‌کم در ردیف سه عامل مهم است.

موضوع قوانین بازدارنده یا تسهیل‌کننده بخشی از گفتگویی تدبیر با دکتر مسعود حیدری است. استاد آموزش سازمان مدیریت صنعتی و یکی از متخصصان بود که در امر مذاکره با هیات‌های خارجی مهارت ویژه‌ای دارد.

اما پیش از این پرسش از آقای حیدری خواستیم تا در زمینه شیوه‌های مناسب جذب سرمایه با توجه به شرایط فعلی کشور توضیح

دهد. وی گفت: برای اینکه بتوان به شیوه‌های مناسب جذب سرمایه باتوجه به شرایط فعلی کشور پی برد اول باید ببینیم در اوضاع و احوال فعلی، مملکت ما دچار چه نوع کمبودها، کاستیها، نیازها و مشکلات و عقب‌افتادگی‌هاست که باتوجه به طبیعت، عملکرد و جهت‌گیری سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تجارب سایر کشورها در جذب سرمایه‌های خارجی، امید داریم و می‌توانیم بخشی از این کمبودها و نیازها را برطرف و پاره‌ای از این مشکلات و عقب‌افتادگی‌ها را حل و جبران کنیم.

در ارتباط با موضوع بحث ما، اهم این کمبودها و مشکلات و عقب‌افتادگی‌ها را می‌توانیم بدین ترتیب فهرست کنیم:

- ۱ - بالا بردن نرخ بیکاری و لزوم ایجاد اشتغال بخصوص در بخش‌های صنعتی و تولیدی
 - ۲ - پائین بودن نرخ پس‌انداز ملی و بد تبع آن کافی نبودن امکانات سرمایه‌گذاری داخلی
 - ۳ - گرایش عمومی فعالیت‌های اقتصادی به سمت فعالیت‌های اقتصادی بخش خدمات بیش از تناسب لازم
 - ۴ - عقب‌افتادگی در سطح تکنولوژی و دانش فنی باتوجه به سرعت روزافزون پیشرفت تکنولوژی در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله در پرتو انقلاب اطلاعاتی
 - ۵ - عدم دسترسی به بازارهای جهانی و ضعف شدید توان و مهارت و امکانات واقعی صادرات کالاهای صنعتی غیر نفتی و غیرستتی.
 - ۶ - کاستی‌های فرهنگ صنعتی و آثار آن در ضعف مدیریت موثر و بهینه واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی و فاصله زیاد در استفاده از آخرین تکنولوژی‌های نرم‌افزاری برنامه‌ریزی و مدیریت و بهره‌وری این واحدها
- بنابراین، به نظر من بهترین شیوه مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی باتوجه به این کمبودها و باتوجه به شرایط فعلی کشور تاسیس شرکت‌های مختلط ایرانی و خارجی به اصطلاح معروف JOINT VENTURE COMPANY است. این شیوه می‌تواند، اگر صادقاته و به طرز صحیح و واقعی طراحی، اجرا و کنترل شود به حل قسمت مهمی از مشکلات و رفع کمبودهایی که اشاره کردم کمک کند.
- بنابراین باید دقیقاً ببینیم چه شرایطی در مملکت باید فراهم باشد و تداوم یابد که شوق سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران خارجی برای

آوردن واقعی سرمایه‌های خود به ایران و بکار انداختن آن جهت سرمایه‌گذاری صنعتی و تولیدی باشد.

این شرایط را می‌توان، بسته به صلاحیت و امکانات و حدود طرح آن در رسانه‌های گروهی شامل شرایط متعددی در زمینه‌های کلان اساسی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحلیل و بیان کرد ولی آنچه در مرحله و امکانات این گفتگوست می‌تواند در دو بخش طبقه‌بندی شود:

اول: شرایط کلان سیاسی و اقتصادی کشور

دوم: شرایط خرد مربوط به منافع موجه و تضمین‌ها و حمایت‌های قانونی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی

شرایط کلان سیاسی و اقتصادی کشور را هم این‌گونه می‌توان خلاصه کرد:

ارزی ایران از ثبات نسبی برخوردار خواهد بود و دستخوش نوسانات و تغییراتی سریع، شتاب‌زده و مقطعی نخواهد بود.

مهم‌ترین مصادیق شرایط خود را هم می‌توانیم بدین صورت فهرست کنیم:

- ۱ - فراهم کردن امکانات برقراری پوشش‌های بیمه‌ای توسط سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی کشورهای پیشرفته صنعتی برای پوشش بیمه صادراتی نسبت به سرمایه‌های خارجی که اتباع آن کشورها به ایران می‌آورند.
- ۲ - امکانات سرمایه‌گذاری خارجی در سهام شرکت‌های مختلط در حد داشتن اکثریت سهام و از آن طریق کنترل مدیریت شرکت.
- ۳ - امکانات فعالیت‌های سالم مدیران و کارشناسان خارجی در ایران در رده‌های مختلف



- مشاغل مدیریتی شرکت‌های مختلط بدون دغدغه‌خاطر و نگرانی‌های بی‌مورد
- ۴ - امکانات ساده و سریع ورود و خروج سرمایه خارجی به ایران و منافع و سود حاصله از آن
 - ۵ - نداشتن ریسک از دست دادن ارزش و قدرت غیرواقعی سرمایه وارداتی یا کاهش شدید آن ناشی از نوسانات نرخ تبدیل ریال ایران به ارزهای خارجی
 - ۶ - امکانات ورود ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد اولیه برای بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری انجام شده، در واحد تولیدی مربوطه

- ۱ - بهبود سریع جایگاه سیاسی ایران در جامعه جهانی و حضور فعال و مقبول آن به‌عنوان یک قدرت بزرگی اقتصادی و منطقه‌ای
- ۲ - گسترش و تقویت این باور در سطح ملی و جهانی که ایران به‌عنوان یک جامعه مدنی تابع حکومت قانون RULE OF LAW است. و زدودن هر نوع شبهه در این جهت‌گیری و گرایش اعلام شده دولت جدید.
- ۳ - ادامه و سرعت بخشیدن به سیاست تعدیل اقتصادی و فراهم کردن پایه‌های محکمی برای شناور بودن نرخ تبدیل ریال به ارزهای معتبر خارجی و ثبات نسبی آن در میان مدت
- ۴ - ایجاد اطمینان در محافل مالی و اقتصادی خارجی و بین‌المللی که سیاست‌های اقتصادی و

شرکت‌های فراملیتی

پرسش بعدی ما از دکتر حیدری این بود که آیا بهتر است این‌گونه سرمایه‌گذاری از طریق دولتها باشد یا از طریق شرکت‌های چندملیتی؟ وی در پاسخ گفت: هیچ کدام، در مورد سرمایه‌گذاری‌های دولتهای خارجی در ایران اولاً خود آن دولتها هیچ رغبت و انگیزه و حتی مجوزی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی و صنعتی در ایران ندارند. ثانیاً تاریخ ما مشحون از تجارب تلخی از سرمایه‌گذاری دولت خارجی و شرکت‌های وابسته به آنها چه در زمینه نفت، معادن و شیلات، حمل‌ونقل، مخابرات و غیره است و من شخصاً هیچ نوع علاقه‌ای به این نوع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ندارم و آنرا توصیه نمی‌کنم قوانین ایران هم مشوق این نوع سرمایه‌گذاری خارجی نیست. در مورد شرکت‌های چندملیتی هم به نظر من این واژه از نظر حقوقی درست نیست برای اینکه هر شرکتی نهایتاً دارای یک ملیت واحد است و این ملیت تابع محل ثبت آن شرکت است. واژه درست‌تر که فهم معنی واقعی است شرکت‌های فراملیتی است و مراد شرکت‌های بزرگی است که با داشتن سرمایه عظیم یا تکنولوژی بالا یا تولید گسترده در تعداد زیادی از بازارهای جهانی حضور فعال و گسترده دارند.

با این واژه درست می‌توان گفت یکی از سرمایه‌گذاران مطلوب در ایران برای شرکت‌های مختلط همین شرکت‌های فراملیتی می‌توانند باشند. بهرحال به اعتقاد من سرمایه‌گذاری خارجی باید از طریق بخش خصوصی خارجی باشد نه بخش دولتی.

در این طرف یعنی در ایران هم جز در موارد محدودی که فعالیت اقتصادی طبق قانون اساسی در انحصار دولت است، بایستی سرمایه‌گذاری خارجی با بخش خصوصی ایران باشد. اصولاً خارجی‌ها و شرکت‌های خارجی، دولتها و از جمله دولت ایران را شریک مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی و صنعتی نمی‌دانند و حق دارند که چنین باوری داشته باشند.

پرسش بعدی در مورد قوانین بازدارنده در امر جذب سرمایه‌های خارجی بود. وی در پاسخ گفت: بطور کلی تعدادی از قوانین ایران برای جذب واقعی سرمایه‌های خارجی نقش بازدارنده ایفاء می‌کنند از آن جمله قانون کار ایران است که به اعتقاد بیشتر مدیران ایرانی و کارشناسان

*** اصولاً شرکت‌های خارجی دولتها و از جمله دولت ایران را شریک مناسبی برای فعالیتهای اقتصادی و تولیدی و صنعتی نمی‌دانند.**

*** بهترین شیوه مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی با توجه به شرایط فعلی کشور تاسیس شرکت‌های مختلط ایرانی و خارجی است. اگر این شیوه درست اجرا شود، بخش مهمی از مشکلات را رفع می‌کند.**

خارجی که برای بررسی‌های سرمایه‌گذاری در ایران کار کرده‌اند، قوانین کار ایران در جهت رعایت تعادل بین کارگر و کارفرما و روابط صنعتی منصفانه نیست و کارفرما در موضع ضعف قرار دارد. و حتی در مواردی هم که احکام قانونی تعادلی را مقرر داشته است در اجراء، مجریان مربوط وزارت کار و امور اجتماعی کفه را به سمت کارگر سنگین می‌کنند و تعادل نسبی هم به هم می‌خورد. و عملاً کارفرما و بخصوص مدیریت واحدهای تولیدی و صنعتی در برابر اقدامات ناروای کارگران سلاح قانونی لازم در اختیار ندارند.

دومین نوع از این قوانین، قوانین مربوط به مقررات پول و ارزی کشور است که نوسانات زیادی دارد. سومین نوع قوانین واردات و صادرات مملکت است که دستخوش تغییر و تحولات خلق الساعه و پیش‌بینی نشده است. این نوع قوانین روی اطمینان سرمایه‌گذاری خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران اثر منفی می‌گذارد.

با این توضیحاتی که دادم توصیه خاص من این است که بایستی در قانون جلب و حمایت از سرمایه خارجی مصوب ۱۳۳۴ تغییرات اساسی داده شود.

علت این تغییرات اساسی که عرض می‌کنم این است که فروض و مبانی آن قانون بکلی فرق کرده است. از آن جمله: این قانون در شرایطی وضع و اجرا شد که ایران حدود ۲۵ سال یعنی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ از ثبات نرخ برابری ریال با ارزهای معتبر جهانی برخوردار بود. یعنی در تمام طول این مدت نرخ برابری ریال با دلار آمریکا حدود ۷۲ ریال بود. ولی تجربه ما در حدود ۱۹ سال اخیر کاملاً متفاوت است، لذا باید قانون

جدید با در نظر گرفتن این عدم ثبات نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی ریسک سرمایه‌گذار خارجی هنگام خروج سرمایه از ایران به حداقل ممکن برساند یا از بین ببرد.

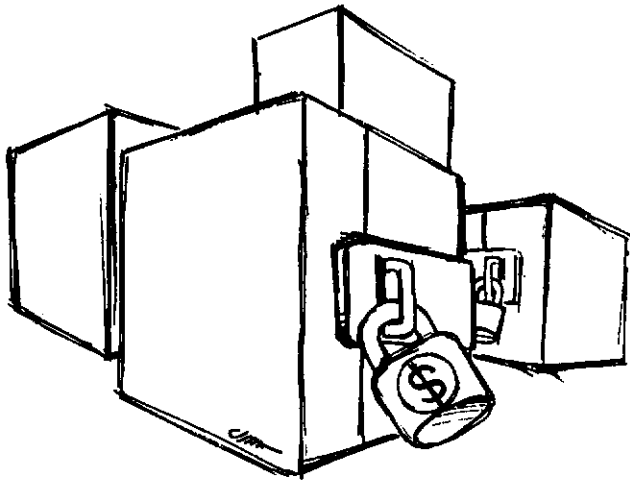
ثانیاً این قانون زمانی به تصویب فوه مقننه ایران رسید که ایران از نظر صنعتی بسیار عقب‌افتاده بود و سیاست‌های درهای باز اقتصادی در ایران برای تامین نیاز مردم به کالاهای مصرفی با دوام اجرا می‌شد و هر نوع سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه تولید کالاهای مصرفی بادوام که عمده سرمایه‌گذاری خارجی‌ها بود یک بازار داخلی داغ و غنی در اختیار داشت. ثالثاً چهره ایران از نظر منابع ارزی و ذخایر ارزی و قابلیت پرداخت‌های خارجی با وضع فعلی بخصوص از اوت ۱۹۹۱ به بعد تفاوت چشم‌گیری داشت. لذا با توجه به این تغییر شرایط باید قانون جدید واقع‌گرا و جسورانه و با استفاده از تجارب کشورهای موفق جهان در این زمینه مثل کره جنوبی، تایوان، اندونزی، تایلند، مالزی، برزیل، ترکیه و کشورهای قاره اروپای شرقی باشد.

مهندس فضیلی مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت تراکتورسازی تبریز نیز در گفتگو با تدبیر به اظهار نظر درباره چندوجهی سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط فعلی پرداخت و در مورد نخستین پرسش گفت:

فایده‌ای را که می‌توانم برای سرمایه‌گذاری خارجی برشمرد ایجاد ارتباط تنگاتنگ تکنولوژیک است. به عبارت دیگر با ورود سرمایه‌گذاران خارجی به ایران برای ما این امکان به وجود می‌آید که ضمن شناخت و به کارگیری دانش و تخصصهای آنان بانگوش اینگونه افراد نسبت به بازار سرمایه آشنا شده و بتوانیم از آن بیش از پیش بهره بگیریم.

اما چرا سرمایه‌گذاران خارجی تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری در ایران ندارند، به نظر من تا زمانی که یک بستر مناسب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت زیرساختهای مورد نظر وجود نداشته باشد، طبعاً بازدهی خوبی نیز وجود نخواهد داشت.

در واقع زمانی که قوانین و مقررات داخلی ما به گونه‌ای است که سرمایه‌گذاران داخلی با آن مشکل پیدا می‌کنند، حال چگونه می‌توان انتظار داشت که یک سرمایه‌گذار خارجی بتواند در چنین محیطی اقدام به سرمایه‌گذاری کند. اگر بخواهیم موضوع را بشکافیم بایستی



اینگونه مساله را مطرح کنیم که ما باید طرز تفکر خودمان را عوض کنیم به عبارت دیگر باید یک بستر فرهنگی مناسب را ایجاد کنیم و یک دگرگونی فرهنگی در خودمان ایجاد کنیم. ما نباید این فکر را در خودمان پرورش دهیم که اگر یک سرمایه گذار می خواهد بیاید و سرمایه گذاری کند، حتماً این سرمایه اش را از راه حرام بدست آورده است این طرز تفکر باعث ایجاد مشکل می شود. سیستم مطبوعاتی، انتظاماتی دستگاههای دولتی و همه هم از آن گونه نیستند که بتوانند به حمایت از سرمایه گذار بپردازند. اگر یک سازمان را به عنوان سیستمی ببینیم که با محیطش در حالت تعامل است، هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بایستی به درستی در جای خودشان قرار گیرند تا محیط برای هر سرمایه گذار چه داخلی و چه خارجی امن و مطمئن باشد.

دیگری را وارد جمع کنیم ما باید اول مسائل و مشکلات مربوط به قوانین و مقررات، مسائل فرهنگی، اجتماعی و... را حل کنیم سپس بگوئیم که یک فرد خارجی می تواند در کشور ما سرمایه گذاری کند. تا اینگونه مسائل و مشکلات حل نشود، ایجاد یک سرمایه گذاری مطمئن حرفی بیهوده خواهد بود.

در مورد اینکه بهتر است برای سرمایه گذاری از دولتها کمک بگیریم یا شرکتهای دولتها به خاطر مشکلاتی که دارند کمتر علاقه مند هستند که اقدام به سرمایه گذاری کنند. علی الاصول در اینگونه مواقع بایستی تن در دهیم به سرمایه گذاری شرکتهای چندملیتی اما به نظر من بایستی ببینیم که نفع ما در کجاست اگر نفع ما در این است که دولتها سرمایه گذاری خارجی را انجام دهند به آن سمت برویم اگر به نفع ما است که در قالب شرکتی عمل کنیم، از این روش استفاده کنیم.

* فضیلی: اگر قرار باشد یک سرمایه گذار برای سرمایه گذاری به کشور بیاید، قطعاً به دنبال شاخصهایی خواهد بود که یکی از این شاخصها عملکرد اقتصادی بنگاههای اقتصادی کشور است که متأسفانه عملکردشان ضعیف است.

* زمانی که قوانین و مقررات داخلی ما به گونه ای است که سرمایه گذاران داخلی با آن مشکل پیدا می کنند، چگونه می توان انتظار داشت که سرمایه گذار خارجی در چنین محیطی اقدام به سرمایه گذاری کند.

در وهله اول مهم است ایجاد زمینه های مناسب برای سرمایه گذاری است. ما باید اول تکلیف خودمان را با خودمان روشن کنیم سپس فرد

متأسفانه در کشور ما سطح بهره وری بسیار پایین است و این مسئله از چشم یک سرمایه گذار پوشیده نمی ماند. زیرا اگر قرار باشد یک سرمایه گذار برای انجام سرمایه گذاری به کشور بیاید قطعاً به دنبال شاخصهایی خواهد بود که یکی از این شاخصها عملکرد اقتصادی بنگاههای اقتصادی کشور است که متأسفانه عملکردشان ضعیف بوده است.

آقای فضیلی در ادامه گفتگو به مزینهای نسبی برای جذب سرمایه های خارجی اشاره کرد و افزود: مزینها دوگونه هستند اول مزینهایی که باید باشند و در سرمایه گذار ایجاد رغبت کنند. دوم یک سری مزینهای ثانویه هستند مثلاً وجود نیروی کار فراوان، انرژی ارزان، اولویت جغرافیایی که می توانند به عنوان مزیت در جهت افزایش سرمایه گذاری به حساب آیند. اما آنچه که



ایریسا ، تنها شرکت ایرانی

مجرب در طراحی و پیاده سازی

• سیستمهای اطلاعات مدیریت (MIS)

• اتوماسیون صنعتی

برای سازمانهای بزرگ (نظیر فولاد مبارکه)

تلفن: ۰۲۱-۱۱۱۶۳۰۰ و ۰۲۱-۷۷۳۳۹۶۶ (۰۲۱) | فکس: ۰۲۱-۶۲۴۰۴۱

شرکت مهندسی تولید قطعات خودرو

سفارش ساخت انواع سرسیلندر به خصوص موتورهای دیزل سنگین و بستری همراه با ضمانت ساخت پذیرفته می شود.

شماره تلفن دفتر: ۳۹۱۴/۱۵ - ۳۱۱۹۵۹۲

شماره فاکس: ۲۲۸۰۵۵۳

شماره تلفن کارخانه: ۰۲۶۱-۶۵۳۲۱۸

آیا می دانید؟

تحقیقات بازاریابی (Marketing Research)

شما را در گسترش بازار محصول و بهبود وضعیت فروش یاری می نماید.

شما می توانید

با دانستن وضعیت رقبا، دانستن خصوصیات خریداران، ... و ارزیابی کارایی خود مطمئن تر تصمیم بگیرید.

ما می توانیم

با بررسی خصوصیات بازاری و مشخص نمودن وضعیت شما در بازار، استراتژی بازاریابی شما را در زمینه های تبلیغات، توزیع، قیمت گذاری و نحوه حضور و یا ورود محصولاتتان در بازار مشخص نموده، شما را در کاهش هزینه ها یاری نمائیم.

مُبلِغَات

خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید سرافراز (دریای نور) کوچه پنجم پلاک ۳۳

تلفن: ۰۲۱-۸۷۳۳۰۶۹، ۰۲۱-۸۷۳۳۰۷۰ فاکس: ۰۲۱-۸۷۳۶۰۸۸

ما نرم افزارهای آماده خود را عرضه نمی کنیم، بلکه سیستمهای مورد نیاز شما را طراحی می نمائیم.

بزرگ ترین بازار میباید



طراحی نرم افزار بر اساس نیاز مشتری

طراحی سیستمهای اطلاعات مدیریت

طراحی سیستمها بر اساس روش های مهندسی نرم افزار

استفاده از ابزار مهندسی سیستم به کمک کامپیوتر (CASE) در تحلیل، طراحی و پیاده سازی سیستم ها

بهره مندی از تواناییهای فوق، امروز به ما اجازه می دهد که در عرضه سیستمهای اطلاعات مدیریت عمل را به شما نشانیم.

تهران، خیابان مقدس اردبیلی، خیابان نارا...، کوی مینا، پلاک ۵

تلفن: ۰۲۱-۲۴۱۷۴۶۳-۲۴۱۷۴۶۲-۲۴۱۶۱۲۶-۲۴۱۶۱۲۶ نمابر: ۰۲۱-۲۴۱۶۱۲۶